



واکوی تهدید نرم‌افزاری در حوزه زنان و خانواده در گفت‌وگوی «جوان» با پژوهشگر فضای مجازی و رسانه سواد رسانه‌ای برای مقابله با تهدید نرم‌افزاری و جنگ‌شناختی ضروری است

کبری فرسحی

خانواده اصلی ترین واحد هر جامعه‌ای است و این واحد بنیادین در جامعه سنتی و مذهبی ایران همیشه مضاعف می‌شود، به خصوص اینکه زنان در هر جایگاهی که باشند از محورهای اصلی خانواده هستند و اساس بنیان خانواده حول محور زن می‌چرخد. بر این اساس وقتی قرار باشد دشمنان برای دستیابی به اهدافشان برنامه‌ریزی کنند، باید خانواده یعنی رکن اصلی جامعه را مورد هدف قرار دهند و برای تغییر در ساختار خانواده از تغییر در نظام ارزشی و باورهای زنان جامعه اقدام می‌کنند. بنابراین یکی از اصلی ترین محورهای تهدید نرم‌افزاری علیه کشورمان زنان و خانواده‌ها را نشانه گرفته است. همچنانکه به تعبیر سیدعلیرضا آل داوود، پژوهشگر فضای مجازی و رسانه، انتشار محتواهایی که نقش زنان در خانواده و جامعه را تحقیر یا کلیشه‌های منفی جنسیتی را تقویت می‌کنند، نمایش زنان به عنوان افرادی وابسته یا فاقد توانمندی است، به خصوص نمایش زنان محجبه به عنوان افراد سطح پایین در سطح جامعه یا هشتگ‌ها و ترندسازی برای ضد ارزش نمایش دادن ازدواج یا فرزندآوری از جمله مصادیق تهدید نرم‌افزاری در حوزه زنان و خانواده است که باید برای مقابله با آن تدابیری اندیشیده شود.

تهدید نرم‌افزاری موضوعی است که رهبری درباره آن هشدار داده‌اند؛ موضوعی که طی سال‌های بعد از انقلاب و به خصوص در سال‌های اخیر به اشکال مختلف و در حوزه‌های گوناگون شاهد آن بوده‌ایم. این بحث در حوزه زنان و خانواده چقدر اهمیت می‌یابد؟

ابتدا اجازه دهید به تعریفی درباره تهدید نرم‌افزاری بپردازیم. تهدید نرم‌افزاری دشمنان ایران در جنگ‌شناختی به تلاش‌هایی اشاره دارد که با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی، باورها و رفتارهای جامعه ایرانی انجام می‌شود. این تهدیدات معمولاً از طریق ابزارهای رسانه‌ای، فضای مجازی و فناوری‌های ارتباطی صورت می‌گیرند و به دنبال تغییر ادراکات و ایجاد تردید در ارزش‌ها و اصول اساسی نظام جمهوری اسلامی هستند. در چارچوب جنگ‌شناختی، تهدیدات نرم‌افزاری ضد زنان و خانواده در فضای مجازی و رسانه به صورت هدفمند و سازمان‌یافته برای تضعیف هویت، ارزش‌ها و انسجام اجتماعی آنان طراحی می‌شوند.

مصادیق تهدید نرم‌افزاری در حوزه زن و خانواده چیست؟

انتشار محتواهایی که نقش زنان در خانواده و جامعه را تحقیر یا کلیشه‌های منفی جنسیتی را تقویت می‌کنند، مانند نمایش زنان به عنوان افرادی وابسته یا فاقد توانمندی به خصوص نمایش زنان محجبه به عنوان افراد سطح پایین در سطح جامعه در رسانه‌ها به صورت رسانه‌های اینترنتی مشهود است. ایجاد کمپین‌های هدفمند در شبکه‌های اجتماعی برای تضعیف ارزش‌های خانوادگی، مانند تبلیغ سبک زندگی ضد ازدواج یا ضد فرزندآوری با استفاده از هشتگ‌ها و ترندسازی در آن‌ها به صورت هدفمند و سازمان‌یافته که تأثیر مخربی روی این قشر می‌تواند داشته باشد.

با عنایت به نقش و جایگاه تأثیرگذار زنان در خانواده و جامعه تهدیدات نرم‌افزاری در حوزه زنان چقدر می‌تواند تبعات اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی - امنیتی داشته باشد؟

استفاده از الگوریتم‌های شبکه‌های اینترنتی برای نمایش محتوای ضد خانواده (مانند ترویج فردگرایی افراطی یا روابط خارج از چارچوب خانواده) به صورت هدفمند به زنان و دختران می‌تواند سبک زندگی آنان را دچار تغییرات زیادی کند. پخش شایعات یا اخبار نادرست درباره زنان یا نهاد خانواده برای ایجاد بی‌اعتمادی مانند داستان‌سازی درباره فروپاشی



«زنان» نوک‌پیکان تهدید نرم‌افزاری

بسیاری از بزنگاه‌های تاریخی کشور در سال‌های اخیر خروجی تهدید نرم‌افزاری است که بر پایه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته است

آنجنان نرم و خزنده وارد نظام باورهای تان می‌شوند که خودتان هم متوجه نمی‌شوید چگونه دچار شک و تردید شده‌اید یا چگونه نگاه‌تان به مسائل تغییر کرده است. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی محل اصلی فعالیت آنهاست. درست همان توییت‌ها و پست‌هایی که رفته رفته احساس می‌کنید خیلی هم بی‌راه نمی‌گویند! گاهی کار به جایی می‌رسد که حس می‌کنید انگار دارند حرف دل ما را می‌زنند و اصلاح‌حرف‌شان نادرست نیست. ابتدای این مسیر شک و تردید و شبهه است و با یانش اختلاف کینه و حتی دشمنی؛ به این مرحله می‌رسید که شما را با کینه‌هایی که در دل تان کاشته‌اند رها می‌کنند تا دستاوردهای شان را درو کنند. بازنده این ماجرا کسانی هستند که در تردید و شبهه باقی مانده و به اختلاف و کینه رسیده‌اند؛ افرادی که در برابر تهدید نرم‌افزاری خود را باخته‌اند.

سبکی خاص از زندگی به مقابله با سبک زندگی ایرانی - اسلامی و حجاب و عفاف رفته‌اند چرا که می‌دانند حجاب و عفاف زن ایرانی نقطه قوتی است که او را نفوذناپذیر می‌کند.

هیچ چیز به اندازه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی تغییرات در روند سبک پوشش زنان را تشدید و تسریع نکرد. جامعه ایرانی که حجاب روزگاری یکی از اصلی ترین مطالباتش بود و یکی از انگیزه‌های انقلاب علیه رژیم ستم‌شاهی احیای ارزش‌های اسلامی همچون همین حجاب بود، در سال‌های پس از انقلاب و به خصوص در سال‌های بعد از جنگ تحمیلی با روند تغییر ارزش‌ها مواجه شد. داین ماجرا در پی تغییر جبهه مبارزه با جمهوری اسلامی ایران از جنگ سخت هشت ساله به سمت و سوی جنگ نرم شکل گرفت و ابتدا سوار بر امواج ماهواره‌ای خودش را به جامعه ایرانی رساند و بعدترها با فراگیری اینترنت و ظهور شبکه‌های اجتماعی به شکلی عمیق تر و جدی تر به مبارزه با ارزش‌های جاری در جامعه مذهبی و سنتی ایرانی جمع می‌شود. تأثیرپذیری اکثریت خاموش جامعه از تلویزیون در عرصه نرم‌افزاری را علیه جامعه ایران رقم زد؛ نبردی که در طول تمام این سال‌ها نوک پیکان آن زن و خانواده‌ها نشانه گرفته است.

تهدید نرم در حوزه زنان و خانواده «مسئله امروز ما تهدید سخت‌افزاری دشمن نیست بلکه تهدید نرم‌افزاری است». این تأکید رهبر معظم انقلاب در خصوص تهدید نرم‌افزاری دشمن است. دستکاری افکار عمومی، ایجاد اختلاف و ایجاد تردید در «محکمت انقلاب اسلامی و ضرورت پایداری در مقابل دشمن» معنای تهدید نرم‌افزاری است. به تعبیر مقام معظم رهبری بدخواهان به این نتیجه رسیده‌اند که راه فائق آمدن بر ملت ایران و عقب راندن جمهوری اسلامی از مواضع قدرتمندانه خود، به کارگیری تهدیدهای نرم‌افزاری است که البته تا امروز موفق نبوده و نتوانسته‌اند با سوسه‌های خود، ملت و جوانان ایران را از عزم و حرکت بازدارند، اما اگر بخوابید وارد مصادیق این تهدید نرم‌افزاری شوید، موارد آن بسیار است. اصلاح در اغلب بزنگاه‌های جمهوری اسلامی ایران کار را با تهدید نرم‌افزاری پیش برده و اتفاقاً از مسیر زنان وارد شده‌اند! در دست شبهه ماجرای فتنه سال ۱۳۸۸ با اسم رمز «ندا آقاسلطان» و فتنه ۱۴۰۱ که با اسم رمز «مهسا امینی» دو تن از دختران این سرزمین در اتاق فکر براندازها طراحی و اجرایی شد و آگاهی و رفتار درست مردم به مثابه دفاع نرم‌افزاری در برابر این تهدیدات نگذاشت دشمنان به اهداف خود دست یابند.

حالا هم این جریان به شکل و شمایل دیگری آماده است تا فضا را به سمت تهدید نرم‌افزاری در حوزه حجاب و عفاف پیش ببرد. همچنانکه در دوسه دهه اخیر با فراگیر شدن فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و پیش از آن از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و سریال‌سازی برای ترویج

تأثیر الگوبذیری رفتار کودکان از رسانه

کودکان ما امروزه در خانه‌ای پا به دنیا می‌گذارند که تلویزیون در آن به طور میانگین هفت تا هشت ساعت در روز روشن است. حالا دیگر بیش از آنکه از مادر بزرگ‌ها داستان و از پدر بزرگ‌ها خاطره بشنویم، این تلویزیون است که داستان‌های مربوط به انسان‌ها، زندگی و ارزش‌های آن را برای ما بیان می‌کند. تلویزیون امروزه به عنوان عمومی‌ترین و پرمخاطب‌ترین رسانه جمعی، سهم عمده‌ای در آموزش و تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم بر فرهنگ و روح روان جمعی دارد. تأثیرپذیری اکثریت خاموش جامعه از تلویزیون و برنامه‌های ماهواره‌ای بسیاری از اوقات کشورهای جهان سوم را با بحران فرهنگی روبه‌رو کرده است. تلویزیون هر روز بر ما تسلط بیشتری می‌یابد و ما باید نگران آثار مخرب برنامه‌های آن برای کودکان و خانواده‌های خود باشیم. این حق ماست و باید عکس‌العمل نشان دهیم. اگر چه تلویزیون معطود نیست اما برنامه‌های تلویزیونی در مجموع زیانبار بوده‌اند. در غرب به نوعی به در شرف به شکلی دیگر خطر برنامه‌های مخرب تلویزیونی احساس می‌شود. مابدبختانه فرزندان ما را با تلویزیون تربیت می‌کنیم، وقتی می‌خواهیم آنان را سواکت کنیم برای آنان تلویزیون روشن

دارد، این گرایش نیز در آن وجود دارد که آذهان را از حل مشکلات زندگی واقعی منحرف کند. نه تنها کودکان عمدتاً در بی آن هستند که مطالبی را در تلویزیون بیابند که به احتمال بیشتر برانگیزاننده رفتار خیال‌پردازانه است، بلکه قبل از فراگیری مطالب واقع‌بینانه در سنین به مراتب پایین‌تر نحوه جست‌وجوی مطالب خیال‌پردازانه را یاد می‌گیرند. تعجب‌آور نیست که چنین وضعی حاکم باشد، نسبتاً کار راحتی است که انسان بنشیند و سرگرم شود، اما جست‌وجوی اطلاعات مستلزم آن است تا شما عمداً هر لذت ممکن را که از تماشای تلویزیون حاصل می‌شود، به تعویق اندازید و برای مدتی، به جای کاهش تنش، احتمال افزایش تنش را بپذیرید و در مقابل همان لامپ تصویری که ملتسانه از شما می‌خواهد تا بیارامید و از آن لذت ببرید، به سختی به کار ببرید.

اینها همه از جمله رفتارهای پیچیده و سخت به شمار می‌روند. بنا به دلایل یادشده، وقتی کودکان به فواید جست‌وجوی واقعیت واقف شوند، به احتمال زیاد مطالب واقع‌بینانه را بیشتر از طریق رسانه‌های چاپی جست‌وجوی می‌کنند تا از طریق تلویزیون.

